

تأثیر علم، جهل و نسیان در احکام میقات

رضا حق‌پناه

نویسنده مسئول، استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

استاد درس خارج حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: haghpanah@razavi.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: 1404-01-20

تاریخ بازنگری: 1404-03-12

تاریخ پذیرش: 1404-04-30

تاریخ انتشار برخط: 1404-04-30

چکیده

احرام یکی از ارکان عمره مفرده، عمره تمتع و حج واجب است. یکی از چالش‌های مهم، ترک احرام حج و عمره از میقات به خاطر جهل و نسیان است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این چالش‌ها برآمده و به این یافته‌ها دست یافته است که وقتی عمره‌گزار بدانند میقات کجاست و عالمّاً احرام را ترک کند باعث بطلان عمره‌اش می‌شود، ولی اگر از روی جهل یا نسیان احرام را ترک کند، در صورتی که امکان برگشت به میقات برایش باشد باید برگردد، چه داخل حرم شده باشد یا نه. وقتی که امکان برگشت ندارد، در صورتی که داخل حرم نشده است از همان‌جا محرم شود و اگر داخل حرم هست، چنانچه به اعمال عمره یا حج تمتع می‌رسد، از حرم خارج شود. در غیر این صورت، از نزدیک‌ترین محل به میقات محرم شود، و اگر باز هم مقدور نبود، از همان‌جا که متذکر شد باید محرم شود. در تأخیر و ترک احرام از میقات دو نظریه وجود دارد: در نظریه اول حج‌گزار به دلیل تأخیر لنداختن احرام از میقات از نظر تکلیفی مرتکب معصیت شده است، ولی از نظر وضعی حج او صحیح است. اما نظریه دوم، در صورت ترک عمدی احرام از میقات و ممکن نبودن احرام از میقات، حج آن سال، باطل است و حج‌گزار باید حج آن سال را در صورت استطاعت اعاده کند. در صورتی که مستطیع نبود، اعاده لازم نیست.

کلیدواژه‌ها: میقات، علم، جهل، نسیان، مبانی ترک احرام.

مقدمه

یکی از فروع دین مبین اسلام و از واجباتی که در کنار صلات و صوم بارها در آیات قرآن و روایات اهل بیت نام برده شده و مورد تأکید قرار گرفته است، حج می‌باشد. حج یکی از ارکان دین اسلام و دارای اعمال و مناسک اختصاصی می‌باشد. در مواجهه با اعمال حج گاهی حالات نفسانی انسان همانند علم، جهل و نسیان نقشی تعیین کننده و اثرگذار نسبت به صحت و بطلان عمل دارد. در این بین بحث میقات که برای ورود به مکه درباره آن دستورات خاصی رسیده است، از نظر علم، جهل و نسیان به احرام در میقات نقشی تأثیرگذار دارد. به عبارت دیگر عبور از میقات از موضوعاتی است که در آن، علم، جهل و نسیان تعیین کننده نوع حکم در بسیاری از اعمال حاجی است؛ از این رو پرداختن تحقیق در این موضوع اهمیت بسزایی دارد. حاجی باید توجه نماید که اعمال خویش را از چه زمان و مکانی شروع نماید، آیا قبل یا بعد از میقات، یا زمانی دیگر، از این رو دانستن این موضوع (علم)، ندانستن آن (جهل)، و فراموش کردن این حکم (نسیان) چه تکلیفی برای حاجی مشخص می‌کند و حکم اعمال حج او چه می‌شود؟

گرچه در مورد هر کدام از مفاهیم علم، جهل و نسیان به صورت جداگانه و مستقل، کار شده است و برخی نیز به احکام میقات پرداخته‌اند.^۲ اما تأثیر مجموع مفاهیم علم، جهل و نسیان در احکام میقات به صورت اختصاصی در مقاله یا تألیفی دیده نشده است. لذا این مقاله از این جهت دارای نوآوری می‌باشد.

مفهوم شناسی علم، جهل و نسیان

«علم» یعنی دانستن، نقیض جهل است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۲/۲)، علم بر اثر شیء دلالت می‌کند که آن شیء با آن اثر از غیر آن تمیز داده می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۰۹/۴) و در اصطلاح، علم، اعتقاد

۱. خالقی میران، سیده مرضیه، پایان نامه بررسی مبانی و احکام فقهی نسیان در عبادات؛ مهدوی، فاطمه، مقاله تأثیر علم و جهل در عبادات، معاملات و احکام جزایی.

۲. رحمانی، محمد، مقاله میقات؛ اشجان، حمید باصی، احکام المیقات فی الفقه الاسلامی دراسة الفقهیه.

قطعی مطابق با واقع می باشد و حکماء، علم را حاصل شدن صورت شیء در عقل نامند. (جرجانی، ۱۴۲۵ق: ۱۱۰)

مقصود از علم در این نوشته عملی است که مطابق اختیار و قصد فاعل است و هیچ جبر و اکراهی در انجام آن نباشد؛ یعنی عملی که به طور عمد از فرد صادر می شود.

چهل نقیض علم بوده و دو معنا دارد: یکی خلاف علم و دیگری به معنی خفت و خواری، مقابل طمأنینه (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۸۹/۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۱۵۴/۲)

چهل، انواعی دارد: چهل قصوری و تقصیری؛ بسیط و مرکب و غیره، آنچه مورد نظر است چهل مرکب است، یعنی کسی که حکم مسئله را نمی داند.

نسیان از ریشه «نسی» به معنای فراموشی چیزی که قبلاً یادش بوده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۴/۷) چنان که در قرآن کریم آمده: «و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور.» (کهف: ۲۴)^۱

نسیان به کسر نون ضد ذکر و حفظ، از یاد بردن چیزی است که در خاطر انسان ضبط شده، اما بخاطر ضعف خاطر و غفلت، یا از روی قصد و عمد، از خاطر زدوده شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۲۲/۱۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۲۱/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۲۸/۴)

معنای میقات

میقات از ریشه «و ق ت»، زمان یا مکان انجام کاری است. (جوهری، ۱۴۱۰ق: ۲۶۹/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ۲۱۲/۲) در اصطلاح فقهاء، اماکن هفتگانه ای است که حاجی با گفتن تلبیه از آن ها اعمال عمره را آغاز می کند. (خوئی، ۱۴۱۸ق: ۳۷۹/۲۷)؛ مواقیت هفتگانه با حدود خاصی مشخص شده و حاجی باید اعمال خود را از میقات آغاز کند نه قبل و بعد آن، به همین جهت علم، چهل و نسیان در احکام میقات تأثیرگذار بوده بطوری که اگر از روی علم، قبل یا بعد از میقات محرم شود احرامش باطل بوده در نتیجه حج او باطل خواهد بود. (محمود عبد الرحمان، بی تا: ۳۷۴/۳)

راه های تشخیص میقات

۱. «وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ»

به فرموده فقهاء (یزدی، بی تا: ۳۹۷/۲؛ لنکرانی، ۱۴۱۸ق: ۴۷/۳؛ گلپایگانی، ۱۴۲۸ق: ۲۲۶/۱) برای تشخیص میقات چهار راه وجود دارد: اهل آن منطقه بودن (علم)، شهادت، بینه و شیاع. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۰۴/۲)، در صورت علم نداشتن به آنها، با بینه شرعی یا شیاع اطمینان بخش ثابت می شوند، و با نبود بینه و شیاع مذکور، با گفته اهل اطلاع که موجب حصول گمان باشد، ثابت می شوند. پس اگر بخواهد از مکانی ثابت نشده جزء میقات است محرم شود، باید تأخیر بیندازد تا یقین بداخل شدن به میقات بنماید. (خمینی، ۱۴۰۹ق: ۴۱۰/۱؛ تبریزی، ۱۴۲۴ق: ۴۹۳/۲)

با علم و اطمینان به میقات، محرم شدن عمداً (بدون عذر یا نذر) از قبل و بعد از میقات، مجزی نیست. (یزدی، ۱۴۰۹ق: ۵۶۰/۲) و صورت عذر صحیح است (تبریزی، ۱۴۲۳ق: ۱۲۰/۲)، جاهل به حکم و موضوع اگر از غیر میقات محرم شود، صحت چنین احرامی محل خلاف است. (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۵۰/۱۳) همچنین است وقتی که از روی غفلت و یا نسیان از میقات محرم نشود. (خوئی، ۱۴۱۶ق: ۴۲۹/۲)

حکم اعمال حج تمتع بدون احرام

اگر حج گزار احرام را فراموش کرد و اعمال حج (مثل وقوف در عرفات یا منا) یا اعمال عمره تمتع را انجام داد و پس از اعمال حج تمتع، یادش آمد، از نظر فقها حج او محکوم به صحت است و نیاز به قضا ندارد. دلیل بر صحت حج بدون احرام دو روایت است:

الف) صحیحہ علی بن جعفر که گذشت، هر چند مربوط به جهل است؛ اما چون موضوع، شخص معذور است شامل ناسی هم می شود.

ب) مرسله جمیل که به اطلاقش شامل حج و عمره می شود و بر صحت حج تمتع بدون احرام دلالت می کند.

بنابراین، حج تمتع در صورت نسیان و فراموشی، به طور قطع محکوم به صحت است؛ ولی صحت عمره مفردة و عمره تمتع هر چند محتمل است؛ ولی از آنجایی که دارای وقت موسع می باشد، بطلان نشان خالی از قوت نیست.

علم و عمد در ترک احرام حج تمتع

احرام، از ارکان حج است که با ترک عمدی آن، حج باطل می‌شود؛ میقات حج تمتع خود مکه مکرمه است، (گلیپایگانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۸/۲) و دارای احکام خاصی دارد که به بیان آن می‌پردازیم:

اگر حاجی از روی علم و عمد بدون احرام از مکه عبور کند، واجب است به مکه برگردد و از آنجا محرم شود؛ کسی که امکان برگشت به مکه داشته اما برنگردد، حشش باطل است. و اگر به خاطر عذری مثل بیماری یا ترس و غیره به مکه برنگردد، حج او باطل بوده و واجب است در سال آینده حج را بجا بیاورد؛ و می‌تواند به محل خانواده‌اش برگردد و از آنجا برای انجام باقی افعال حج محرم شود. علامه حلی فرموده ترک احرام از مکه عمداً مثل ترک وقوف در عرفات باعث بطلان حج می‌شود. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق:

۱۹۰/۶)

نسیان در ترک احرام حج تمتع

چنانچه از روی نسیان، از مکه احرام نبندد، به صحت حج لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و متضمن احکام خاصی است. نسیان احرام حج تمتع از شهر مکه، سه حالت دارد:

۱. نسیان احرام در مکه تا عرفات

اگر حاجی فراموش کند که از مکه احرام حج ببندد، سپس به عرفات برود و در عرفات یادش بیاید، در صورت امکان باید به مکه بازگردد و احرام ببندد، و چنانچه معذور از بازگشت باشد، باید در همانجا محرم شود و حج او صحیح است. در این مسئله اختلافی نیست، روایات هم دال بر آن است. (قمی،

۱۴۱۲ق: ۲۰۴/۱۰)

از جمله صحیحہ علی بن جعفر، است: «وَعَنْهُ عَنْ أَخِيهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ فَذَكَرَ وَهُوَ بِعَرَفَاتٍ فَمَا حَالُهُ قَالَ يَقُولُ اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ فَقَدْ تَمَّ إِحْرَامُهُ. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۸/۱۱)

علی بن جعفر گفت از امام کاظم علیه السلام پرسیدم از فردی که احرام حج را فراموش کرده بود و در حالی که در عرفات بود به یاد آورد، حش چگونه است؟ امام فرمودند: بگوید خدایا بنابر قرآن و سنت نبی‌ات بوده است. پس احرام حش تمام شده است.

طبق این روایت وقتی احرام را فراموش کرده و به عرفات آمده، در اعمال گذشته‌اش ایرادی وارد نیست و بعد از محرم شدن در عرفات می‌تواند اعمالش را ادامه دهد.

۲. نسیان احرام در مکه تا مشعر یا بعد از خروج از آن

اگر حج‌گزار احرام را فراموش کند و در مشعر، یا بعد از خروج از مشعر یادش بیاید، دو نظریه وجود دارد:

الف) مشهور قائل به صحت حج و لزوم بستن احرام در هر زمانی هستند که فرد آن را به یاد آورد. (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۰/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۰/۱۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۲/۶)؛ دلیل آنان بر صحت این حج حدیث رفع است. (حلی، ۱۴۰۷ق: ۸۱۰/۲) زیرا این حدیث در مقام امتنان صادر شده و مقتضای امتنان، رفع قید بودن احرام از مکه است؛ لازمه امتنانی بودن این است که حرم و مکه برای احرام ناسی قید نیست، لذا احرامش از خارج مکه هم صحیح است چون مأمور به را مطابق واقع انجام داده است.

ب) بعضی قائلند که چنین احرامی باطل است و ادله قول مشهور را مورد مناقشه قرار می‌دهند؛ صاحب مدارک فرموده حدیث رفع متضمن رفع حکم است نه وضع و اثبات حکم، و رفع جزئیت و شرطیت فقط با رفع امر به صورت کلی امکان‌پذیر است؛ (عاملی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۷/۷)

به نظر می رسد دلیل قول مشهور قوی است، چرا که حکم وجوب احرام از مکه در صورت علم و عمد است و در صورت نسیان، قید بودن مکان رفع می شود نه اصل احرام که این شخص ناسی در عرفات یا مشعر محرم شده است.

۳. نسیان احرام تا اتمام اعمال حج

چنانچه حج گزار بعد از اتمام اعمال حج یادش بیاید که اصلاً محرم نشده است، دو نظر متفاوت بین فقها وجود دارد:

الف) مشهور حکم به صحت حج در این حالت کرده و قضای آن را واجب نمی دانند. (گلپایگانی، ۱۴۰۳ق: ۷۶/۱)

دلیل بر این قول:

۱. حدیث رفع: که رسول خدا (ص) فرموده اند: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأُ وَالنَّسْيَانُ». (حلی، ۱۴۰۷ق:

۸۱۰/۲، حلی، ۱۹۸۲م: ۴۶۲)

با قطع نظر از نسیان، احرام واجب است اما در صورت نسیان به دلیل حدیث رفع، احرام واجب نیست.

۲. با استمرار نسیان، بر حج گزار واجب است بقیه ارکان را بجا بیاورد است؛ چون او قصد انجام را داشته است؛ اما فراموش کرده است (حلی، ۱۴۰۷ق: ۸۱۰/۲). چنانکه روایات بر آن دلالت دارند:

اول: مرسله جمیل بن دراج:

و رَوَى جَمِيلٌ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عَنِ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ أَوْ جَهَلَ وَقَدْ شَهِدَ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا وَ طَافَ وَ سَعَى قَالَ تُجْزِيهِ نِيَّتُهُ إِذَا كَانَ قَدْ نَوَى ذَلِكَ وَ قَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَ إِنْ لَمْ يُهَلِّ. (ابن ابی جمهور،

۱۴۰۵ق: ۱۵۷/۳)

در مورد شخصی که فراموش کرده بود محرم شود یا جاهل به آن بوده و تمام مناسک را انجام داده و سعی صفا و مروه کرده است، امام فرمود: نیتش مجزی و حجش کامل است.

منظور از نیت در روایت، قصد حج با تمام افعال آن بوده است، از این رو فقها، نسیان احرام را در صورتی مبطل حج نمی‌دانند که قصد انجام آن را از ابتدا داشته باشد.

البته باید روایت را مربوط به جایی دانست که فرد از بازگشت معذور باشد، حتی اگر در عرفات به یاد آورد و قادر به بازگشت نباشد، باید در همان مکان احرام ببندد. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۶/۶)

برخی گفته‌اند که روایت گریچه سنداً ضعیف است، لکن شهرت فتوایی جابر ضعف سند است لذا مفاد روایت قابل قبول می‌باشد، در نتیجه ترک افعال حج، به خاطر نسیان مبطل نیست. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۱۷/۱)

دوم: صحیحہ عبدالله بن سنان:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ مَرَّ عَلَى الْوَقْتِ الَّذِي يُحْرِمُ النَّاسُ مِنْهُ فَنَسِيَ أَوْ جَهِلَ فَلَمْ يُحْرِمْ حَتَّى أَتَى مَكَّةَ فَخَافَ أَنْ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجُّ فَقَالَ يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ وَيُحْرِمُ وَيُجْزِيهِ ذَلِكَ. (كليني، ۱۴۰۷ق: ۳۲۴/۴)

از امام صادق (ع) در مورد شخصی پرسیدم که احرام را فراموش کرد و یا از روی جهل انجام نداده بود تا اینکه وارد حرم شد و می‌ترسید که در صورت بازگشت، حج از او فوت شود. امام فرمود: از حرم خارج شود و محرم شود و آن مجزی است.

چون ورود به مکه نیاز به محرم شدن دارد، مگر کسانی که استثناء شده‌اند، و این شخص، حتی برای عمره تمتع هم احرام از میقات نداشته است، و جاهل بوده، باید از مکه بیرون برود و محرم شود. با توجه به اینکه مراد از جهل، جهل مرکب می‌باشد نه جهل بسیط و جاهل مرکب غافل محض است و ناسی هم غافل است. جاهل، غافل از واقع است و ناسی غافل از منسی می‌باشد؛ از لحاظ حکم، ناسی معذورتر از

جاهل است، لذا اگر در جاهل حکم به صحت شود در ناسی بطریق اولی حکم به صحت می شود. در نتیجه،

الحاق ناسی به جاهل مانعی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۰/۱۸؛ گلپایگانی، ۱۴۰۳ق: ۷۶/۱)

ب) بعضی قائل به بطلان حج با نسیان احرام شده و استدلال به حدیث رفع را تمام نمی دانند،

زیرا مقتضای حدیث، رفع مؤاخذه و عقاب است نه رفع تمام احکام.

افزون بر این، امثال نسبت به جزء منسی محقق نشده است و کل نیز با عدم جزء، معدوم می شود.

(عاملی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۷/۷)

ابن ادریس در مخالفت با مشهور، حکم به وجوب قضا در صورت نسیان احرام داده است. چراکه

در این حالت، عبادت به صورت خواسته شده امثال نشده و همچنان بر عهده مکلف باقی است. دلیل

او استناد به جمله «الأعمال بالنیات» (قمی، ۱۴۱۸ق: ۶۲؛ غریضی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۶) است؛ اساس اعمال، نیت

است، و حاجی که احرام را فراموش کرده پس نیت همه اعمال را نداشته، لذا حج انجام شده به دلیل فقدان

نیت احرام باطل بوده است.

محقق حلی در استدلال ابن ادریس تردید کرده و فرموده است نیت احرام در تمام مناسک حج

وجود دارد؛ زیرا فرد ناسی بر این باور بوده است که قصد احرام دارد؛ اما انجام آن را فراموش کرده است.

(حلی، ۱۴۰۷ق: ۸۱۰/۲)

احکام عالم، جاهل و ناسی به میقات

احرام بستن عمدی پیش از رسیدن به میقات صحیح نیست، مگر در دو مورد: یکی نذر یا عهد و قسم،

و دیگری کسی که بداند که تا رسیدن به میقات، ماه رجب تمام شود؛ در این صورت جایز است پیش از

رسیدن به میقات احرام ببندد تا ثواب عمره رجبیه را درک کند. (قمی، ۱۴۱۹ق: ۳۱/۲)

برای مکلف جایز نیست عمداً بدون احرام از میقات بگذرد تا وارد مکه شود مگر سه گروه:

۱- کسی که مکرراً از مکه به میقات رفت و آمد می‌کند.

۲- کسی که به قصد جنگ داخل مکه می‌شود.

۳- کسی که موقع گذشتن از میقات، قصد داخل شدن به مکه را ندارد (عاملی، ۱۴۲۷ق؛ ۳/۳۲۶)

به جز این سه مورد، اگر کسی فراموش کند، یا جاهل به مساله باشد یا جاهل به میقات باشد، و نتواند به میقات برگردد، لازم نیست به میقات برگردد و احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند (عاملی، ۱۴۲۷ق؛

۳/۳۲۶)

مؤید این مطلب سه روایت صحیح است:

۱- صحیح حلی:

عَنِ الْحَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ قَالَ عَلَيْهِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجَّ أَحْرَمَ مِنْ مَكَانِهِ وَ إِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيَخْرُجْ ثُمَّ لْيُحْرِمَ. (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۸/۱۶۲)

مردی فراموش کرده محرم شود، و داخل حرم شده، امام فرمودند: پدرم گفت: باید به میقات آن منطقه خارج شود، و اگر بترسد حج از او فوت شود، از همان مکان محرم شود، ولی در صورتی که بتواند از حرم خارج شود، باید خارج شود، سپس محرم شود.

۲- صحیح عبدالله بن سنان:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ رَجُلٍ مَرَّ عَلَى الْوَقْتِ الَّذِي يُحْرِمُ النَّاسُ مِنْهُ فَلَسِيَ أَوْ جَهَلَ فَلَمْ يُحْرِمَ حَتَّى أَتَى مَكَّةَ فَخَافَ أَنْ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجَّ فَقَالَ يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ وَيُحْرِمُ وَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۲۴۴)

مردی بر میقات عبور کرده و فراموش کرد یا از روی جهل، محرم نشد تا اینکه وارد مکه شد، پس ترسید در صورتی که به میقات برگردد، حج از او فوت شود. امام فرمودند: باید به خارج حرم برود و محرم شود، پس او را کفایت می‌کند.

طبق این روایت، جاهل مثل ناسی است و در صورتی که وارد مکه شده و امکان برگشت به میقات

ندارد، از همان مکان محرم شود. (عاملی، ۱۴۲۷ق: ۳/۳۲۶)

۳- صحیحہ معاویہ بن عمار:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ مَعَ قَوْمٍ فَطَمِثَتْ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِمْ فَسَأَلْتَهُمْ فَقَالُوا مَا نَذَرِي أَعَلَيْكَ إِحْرَامٌ أَمْ لَنَا وَلَئِنْ حَائِضٌ فَتَرَكُوها حَتَّى دَخَلَتْ الْحَرَمَ فَقَالَ ع: إِنْ كَانَ عَلَيْهَا مَهْلَةٌ فَتَرْجِعْ إِلَى الْوَقْتِ فَلْتَحْرِمَ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا وَقْتُ فَلْتَرْجِعْ إِلَى مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا تَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ بِقَدْرِ مَا لَا يَفُوتُهَا. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۷۵/۵)

زنی همراه قافله بود، و حائض شد، از آن‌ها سؤال کرد، گفتند: نمی‌دانیم آیا بر تو احرام هست یا نه، در حالی که حائض هستی؛ پس این زن را رها کردند تا اینکه زن (بدون احرام) داخل حرم شد. امام (ع) فرمودند: اگر این زن فرصت دارد، باید به میقات برگردد تا محرم شود، ولی در صورتی که وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که می‌تواند به خارج حرم برگردد و آن‌جا محرم شود تا حج از او فوت نشود.

در نتیجه شخص جاهلی که نتواند به میقات برگردد، احرام از ادنی‌الاحرام کفایت می‌کند (عاملی، ۱۴۲۷ق؛ ۳/۳۲۶)

میقات حکم تاخیر و ترک احرام از میقات علماً یا جهلاً و یا نسیاناً

الف) وقتی حج گزار عالماً از میقات بدون احرام عبور کرد و امکان برگشت به میقات باشد، لازم است برگردد و از آن‌جا محرم شود، حج او صحیح است.

ب) اگر امکان برگشت دارد، و برنگردد و از بعد میقات محرم شد، احرامش باطل شده و بقیه اعمال (حج یا عمره) باطل می‌شود.

ج) در صورتی که امکان برگشت نداشت و میقات دومی هم نباشد، در این که حج او چه حکمی دارد، دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول صحت حج و ارتکاب معصیت در تأخیر انداختن احرام از میقات

حج گزار به دلیل تأخیر انداختن احرام از میقات از نظر تکلیفی مرتکب معصیت شده است؛ ولی از نظر وضعی حج او صحیح است. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱/۳۱۱؛ نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۱/۱۹۸) و می‌تواند اعمال حج را ادامه دهد. به چند دلیل:

دلیل اول امکان پذیر نبودن احرام از میقات

هر چند احرام از میقات، شرط صحت است؛ ولی این شرطیت در صورتی است که احرام از میقات امکان پذیر باشد، اما چون احرام از میقات برای این فرد امکان پذیر نیست، احرام از ادنی الحل یا احرام از حرم کفایت می‌کند و حج او صحیح خواهد بود. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۲۵۹/۶)

دلیل دوم جمع بین روایات

در خصوص تأخیر احرام از میقات دو گونه روایات وجود دارد؛ یک طائفه دلالت دارد که بدون احرام از میقات حج صحیح نیست؛ از جمله: «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَمَامَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَفَّيَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۸/۴)

امام صادق (ع) فرمودند: تمام حج و عمره این است که از مواقیتی که رسول خدا (ص) تعیین فرمودند از آنها تجاوز نکنید جز این که محرم باشید....

دسته دیگر روایاتی است که می‌گوید اگر فراموش کند که از میقات محرم شود، و امکان برگشت به میقات نباشد، از ادنی الحل محرم شود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۰/۱۱)

راجع این است که روایت لزوم احرام از میقات را بر صورت امکان از برگشت به میقات حمل کنیم، و روایات دال بر احرام از ادنی الحل را بر صورت تعذر از برگشت به میقات (نراقی، ۱۴۲۵ق: ۱۹۸/۱۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۸۵/۵).

دلیل سوم مقایسه ترک عمدی احرام با ترک عمدی وضو

ترک عمدی احرام از میقات، مثل ترک عمدی وضو است؛ اگر نمازگزار تا آخر وقت وضو نگیرد به طوری که وقت برای گرفتن وضو باقی نماند و تیمم کند و نماز بخواند، نمازش صحیح است. گرچه معصیت کرده است؛ در این جا هم وقتی حج گزار عمداً احرام از میقات را تأخیر انداخت، و دیگر امکان برگشت به میقات نباشد، با احرام از حرم، حج او صحیح خواهد بود. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۳۱۲/۱)

نظریه دوم بطلان حج در ترک عمدی احرام از میقات و عدم امکان بازگشت

بعضی از فقیهان معتقدند با ترک عمدی احرام از میقات و عدم امکان بازگشت به میقات، حج آن سال، باطل است و حج گزار باید حج را در صورت استطاعت اعاده کند. و با عدم استطاعت، اعاده لازم نیست. (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۲۱۰)؛ دلیل بر این نظریه:

دلیل اول بطلان حج با انتفاء شرط

روایات توقیت دلالت بر شرطیت احرام از میقات می‌کند. وقتی مکلف، احرام از میقات را انجام ندهد و امکان برگشت هم وجود نداشته باشد، از باب «إذا انتفی الشرط انتفی المشروط»، چون شرط حج که محرم شدن از میقات است، انجام نگرفته، پس مشروط که خود حج باشد، باطل است. (حلی، ۱۴۱۰ق: ۵۲۸/۱)

دلیل دوم صحیحہ حلبی و کنانی

این دو صحیحہ دلالت دارد که با ترک احرام از میقات از روی جهل و نسیان، حج صحیح است؛ و شامل ترک عمدی نمی‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۳/۴ و ۳۲۵)، لذا ترک عمدی احرام از میقات، باعث بطلان حج است.

دلیل سوم: تفاوت ترک عمدی وضو با ترک عمدی احرام

مقایسه ترک وضو عمدی با ترک عمدی احرام از میقات، صحیح نیست، زیرا اگر کسی عمدا وضو نگیرد، در آخر وقت بدل دارد، و دلیل خاص بر بدلیت تیمم از وضو دلالت می‌کند؛ ولی در احرام دلیلی وجود ندارد که بر بدلیت احرام از ادنی‌الاحل یا احرام از مکان دیگر، از احرام میقات دلالت کند. (لنکرانی، ۱۴۱۸ق: ۱۱۳/۳)

نتیجه گیری

- برای محرم شدن در عمره تمتع و مفرده باید علم یا اطمینان به میقات داشته باشد، لذا اگر حاجی بدون عذر یا نذر، قبل یا بعد از میقات محرم شود، مجزی نیست.
- اگر حاجی جاهل یا ناسی به حکم و موضوع باشد و از غیر میقات محرم شود، صحت چنین احرامی محل خلاف است. نسیان احرام در صورتی مبطل حج نیست که قصد انجام آن را از ابتدا داشته باشد.
- رفع حکم در مورد جهل، رفع ظاهری است و در مورد نسیان رفع واقعی است؛ بر این اساس وقتی صحت حکم در مورد جهل ثابت است، در مورد نسیان به طریق اولی ثابت خواهد بود. در حقیقت مستفاد از ادله، عذر است، خواه مستند به جهل باشد و یا از روی نسیان واقع شده باشد.

- احرام بستن قبل از میقات در دو مورد صحیح است: یکی نذر یا عهد یا قسم؛ و دیگری کسی که می خواهد عمره مفرده در ماه رجب بجا آورد، که در صورت صبر کردن تا رسیدن به میقات، ماه رجب تمام شود؛ در این صورت جایز است پیش از رسیدن به میقات احرام ببندد تا ثواب عمره رجبیه را درک کند.

- وقتی عمره گزار بداند میقات کجاست و عالماً و عامداً احرام را ترک کند عمره او باطل می شود؛ ولی در صورتی که از روی جهل یا نسیان احرام را ترک کند، و امکان برگشت به میقات باشد باید برگردد؛ و اگر در صورتی که امکان برگشت به میقات نباشد، و داخل حرم نشده از همانجا محرم شود؛ و اگر داخل شده چنانچه به اعمال عمره یا حج تمتع می رسد، باید از حرم خارج شده و از نزدیکترین محل به میقات اقدام کند، و اگر مقدور نباشد، از همان جایی که متذکر شد باید محرم شود.

- احرام حج تمتع شهر مکه مکرمه است؛ علم، جهل و نسیان در احرام از میقات و عبور از آن مؤثر است.

- حج گزار یا عمره گزار برای ورود به مکه، باید محرم شوند.

منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم. چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. قم. چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ۳- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. دعائم الإسلام. قم. چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- ۴- ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. قم. چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ۵- ابن منظور، ابو الفضل. لسان العرب. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر. چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ۶- احمدی میانجی، علی. قم: مکاتیب الأئمة علیهم السلام. چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- ۷- اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- ۸- انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب (المحشی)، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.

- ٩- تبریزی، جعفر سبحانی. الحج فی الشریعة الإسلامیة الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام. چاپ اول، ١٤٢٤ ق.
- ١٠- تبریزی، جواد بن علی. التهذیب فی مناسک العمرة و الحج. قم: دار التفسیر. چاپ اول، ١٤٢٣ ق.
- ١١- جرجانی، علی بن محمد. کتاب التعریفات. بیروت: دارالفکر. چاپ اول، ١٤٢٥ ق.
- ١٢- جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین. چاپ اول، ١٤١٠ ق.
- ١٣- حائری، سید علی بن محمد طباطبائی. ریاض المسائل (ط - الحديثة). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول، ١٤١٨ ق.
- ١٤- حر عاملی، محمد بن حسن. الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل). قم: چاپ اول، ١٤١٨ ق.
- ١٥- _____ وسائل الشیعة. قم: چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
- ١٦- _____ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام. مشهد. چاپ اول، ١٤١٤ ق.
- ١٧- حکیم، سید محسن طباطبائی. مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر. چاپ اول، ١٤١٦ ق.
- ١٨- _____، منهاج الصالحین (المحشى)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، ١٤١٠ ق.
- ١٩- حلّی، ابن ادريس. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ١٤١٠ ق.
- ٢٠- حلّی، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی. مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. قم: چاپ دوم، ١٤١٣ ق.
- ٢١- _____ نهج الحق و كشف الصدق. بیروت: چاپ اول، ١٩٨٢ م.
- ٢٢- حلّی، محقق، جعفر بن حسن. المعتمد فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام. چاپ اول، ١٤٠٧ ق.
- ٢٣- _____ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم، ١٤٠٨ ق.
- ٢٤- خمینی، سید روح الله موسوی. تحریر الوسیلة. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم. چاپ اول.
- ٢٥- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. بحوث فی شرح مناسک الحج. مقرر: سید محمدرضا سیستانی. بیروت: دار المورخ العربی. چاپ دوم، ١٤٣٧ ق.
- ٢٦- _____ معتمد العروة الوثقی. قم: منشورات مدرسه دار العلم - لطفی. چاپ دوم، ١٤١٦ ق.
- ٢٧- _____ موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره. چاپ اول، ١٤١٨ ق.

- ٢٨- ديلمى، سلاّر، حمزه بن عبد العزيز. المراسم العلوية و الأحكام النبوية. قم: منشورات الحرمين. چاپ اول، ١٤٠٤ق.
- ٢٩- راغب اصفهانی، حسين بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. تهران. چاپ دوم، ١٣٧٤.
- ٣٠- سبزواری، سيد عبد الأعلى. مهذب الأحكام. قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله. چاپ چهارم، ١٤١٣ق.
- ٣١- طوسی، محمد بن حسن. المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية. چاپ سوم، ١٣٨٧ق.
- ٣٢- _____. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دار الكتاب العربي. چاپ دوم، ١٤٠٠ق.
- ٣٣- _____. تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان). تهران. چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
- ٣٤- طوسی، محمد بن علی بن حمزه. الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشي نجفی ره. چاپ اول، ١٤٠٨ق.
- ٣٥- عاملی، محمد بن حسين. مشرق الشمسين و إكمير السعادتین مع تعليقات الخواجوئی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية. چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
- ٣٦- عاملی، سيد محمد حسين ترحینی. الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية. قم: دار الفقه للطباعة و النشر. چاپ چهارم، ١٤٢٧ق.
- ٣٧- عاملی، شهيد اول، محمد بن مکی. الدروس الشرعية في فقه الإمامية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. چاپ دوم، ١٤١٧ق.
- ٣٨- عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن علی. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية. چاپ اول، ١٤١٣ق.
- ٣٨- عاملی، محمد بن علی موسوی. مدارک الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام. بيروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. چاپ اول، ١٤١١ق.
- ٣٩- عاملی، مير سيد احمد علوی. مناهج الأخيار في شرح الاستبصار. قم: مؤسسه اسماعيليان. چاپ اول.
- ٤٠- عريضي، علی بن جعفر عليهما السلام. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. چاپ اول، ١٤٠٩ق.
- ٤١- فراهیدی، خليل بن احمد. کتاب العين. قم. چاپ دوم، ١٤٠٩ق.

- ۴۲- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. الوافی. اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين علی علیه السلام. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ۴۳- قمی، سید حسن طباطبائی. کتاب الحج. قم: مطبعة باقری. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ۴۴- قمی، سید صادق حسینی روحانی. فقه الصادق علیه السلام. قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام. چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۴۵- قمی، سید محمد حسینی روحانی. المرتقى إلى الفقه الأرقی - کتاب الحج. تهران: مؤسسه الجلیل للتحقیقات الثقافية (دار الجلی). چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- ۴۶- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه. الهدایه فی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام. چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- ۴۷- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی (ط - الإسلامیة). تهران. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ۴۸- گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی. کتاب الحج. قم: دار القرآن الکریم. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- ۴۹- گلپایگانی، علی افتخاری. آراء المراجع فی الحج. قم: نشر مشعر. چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
- ۵۰- گلپایگانی، لطف الله صافی. فقه الحج. قم: مؤسسه حضرت معصومه سلام الله علیها. چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
- ۵۱- لنکرانی، محمد فاضل موحدی. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحج. بیروت: دار التعارف للمطبوعات. چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- ۵۲- مازندرانی، خاتون آبادی، (محمد) اسماعیل خواجویی. الفوائد الرجالیة. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- ۵۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران. چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- ۵۴- _____. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. قم. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ۵۵- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور. ۱۴۰۶ق.
- ۵۶- محمود، عبد الرحمان. معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة.
- ۵۷- محمودی، محمدرضا. مناسک حج (محشی)، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- ۵۸- مشکینی، میرزا علی. مصطلحات الفقه.
- ۵۹- مصطفوی، سید محمد کاظم. القواعد - مائة قاعدة فقهیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق.

- ٦٠- مصطفى، حسن. التحقيق في كلمات القرآن الكريم. بيروت-قاهره-لندن. چاپ سوم، ١٤٣٠ق.
- ٦١- مغنيه، محمدجواد. فقه الامام الصادق عليه السلام. قم، مؤسسه انصاريان، چاپ دوم، ١٤٢١ق.
- ٦٢- ملكي اصفهاني، مجتبي. فرهنگ اصطلاحات اصول. قم: نشر عالمه. چاپ اول، ١٣٧٩.
- ٦٣- موسوي، سيدصمدعلي، القواعد الفقيهيه في كتاب تفصيل الشريعه، قم، مركز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ١٣٩٢.
- ٦٤- مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامي، فرهنگ فقه فارسي
- ٦٥- نجفي، احمد بن علي بن محمدرضا، نجف اشرف: مؤسسه كاشف الغطاء، چاپ اول، ١٣٦٧ق.
- ٦٦- نجفي، صاحب الجواهر، محمد حسن. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ هفتم، ١٤٠٤ق.
- ٦٧- نراقي، مولي احمد بن محمد مهدي. مستند الشيعة في أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. چاپ اول، ١٤١٥ق.
- ٦٨- يزدي، سيد محمد كاظم طباطبائي. العروة الوثقى. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. چاپ دوم، ١٤٠٩ق.
- ٦٩- _____، العروة الوثقى مع تعليقات الفاضل. قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام. چاپ اول.